## ناگهان شعر

حامد عسگری

مثل آن چایی که می چسبد به سرما بیشتر
با همه گرمیم، با دل های تنها بیشتر
درد را با جان پذیراییم و با غم ها خوشیم
قالی کرمان که باشی می خوری پا بیشتر
بم که بودم فقر بود و عشق اما روزگار
زخم غربت بر دلم آورد این جا بیشتر
هر شب عمرم به یادت اشک می ریزم ولی
بعد حافظ خوانی شب های یلدا بیشتر
رفته ای، اما گذشت عمر تاثیری نداشت
من که دلتنگ توام امروز، فردا بیشتر
زندگی تلخ است از وقتی که رفتی تلخ تر
بغض جانکاه است هنگام تماشا بیشتر
هیچ کس از عشق سوغاتی به جز دوری ندید
هر قدر یعقوب تنها شد زلیخا بیشتر
بر بخار پنجره یک شب نوشتی: «عاشقم»
خون انگشتم بر آجر حک کنم: ما بیشتر

## محمد اصفهانی خواننده تیتراژ ویژه برنامه «پناه» در ماه مبارک رمضان

محمد اصفهانی با اجرای تیتراژ ویژه برنامه افطار شبکه دوم با عنوان «پناه» به تلویزیون می آید. این برنامه که با همکاری مرکز ارتباطات آستان قدس رضوی همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان پخش می‌شود، با فضایی معنوی و آیتم هایی ویژه همراه است. به گزارش روابط عمومی شبکه دو، «پناه» ویژه برنامه‌ای است که هر روز حدود ساعت ۱۷ به صورت زنده از حرم مطهر امام رضا(ع) روی آنتن می رود. این برنامه که لحظاتی قبل از اذان مغرب پخش می شود، در استودیو صاحب الزمان (عج) حرم مطهر و با حضور مهمانان ویژه و روایت های شنیدنی از زائران امام رضا(ع) مهمان خانه های مردم می شود. لوگوی این برنامه سال گذشته توسط استاد سید محمد حسینی موحد، کاتب ضریح های مطهر امام حسین(ع) و امام رضا(ع) طراحی شده است. «پناه» محصول گروه معارف شبکه دو سیما به تهیه کنندگی حسام جمارانی، کارگردانی محمد خندان و سردبیری محمد حقی، با مشارکت آستان قدس رضوی در ۳۰ قسمت ۹۰ دقیقه‌ای تولید شده و از یک شنبه ۱۲ اسفند حدود ساعت ۱۷ از شبکه دو سیما پخش خواهد شد.

## مهدی اخوان ثالث در «سروستان»

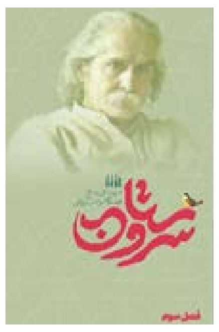

فصل سوم پادپخش «سروستان؛ دریچه‌ای به باغ فرهنگ و ادب ایرانی» با یادی از مهدی اخوان ثالث منتشر شد. به گزارش ایسنا، سروستان بیست و چهارم، در ۱۰ برنامه و با نگاهی به شعر و زندگی شاعران معاصر ایران، با یادی از مهدی اخوان ثالث، شاعر معاصر منتشر شد. در این قسمت، در بخش سرو سایه‌فکن سهیلا عابدینی یادی می کند از مهدی اخوان ثالث و سپس در گنج‌آوا سخنان مسعود جعفری جزی را درباره ویژگی های سروده‌های اخوان ثالث خواهیم شنید. در «از زندگی من»، بخش‌هایی از گفت‌وگوی مهدی اخوان ثالث با ناصر حریری را با صدای معصومه حسینی مورودی می شنویم. محمدرضا رضوی در بخش «زبان کاوی» درباره ویژگی جابه‌جایی در زبان می گوید و در بخش معاصرخوانی بخش‌هایی از داستان «ترس» امین فقیری را با صدای فتانه نادری می شنویم. برنامه شنیداری «سروستان؛ دریچه‌ای به باغ فرهنگ و ادب ایرانی» هر دو هفته یک‌بار منتشر می شود.

## نامزدهای «بوکر بین‌المللی» معرفی شدند

یازده رمان و دو مجموعه داستان کوتاه به عنوان نامزدهای اولیه جایزه «بوکر بین المللی» ویژه ادبیات ترجمه‌شده به زبان انگلیسی انتخاب شدند.

به گزارش ایسنا، جایزه «بوکر بین المللی» که در سال ۲۰۰۵ به عنوان جایزه‌ای برای تقدیر از آثار داستانی بلند ترجمه‌شده به زبان انگلیسی بنا نهاده شد، برترین آثار داستانی بین المللی را معرفی می کند و هم نویسنده اصلی و هم مترجم را مورد تقدیر قرار می دهد.

# ۲ دهه ناخوش احوالی شعر

### گفت‌وگوی خراسان با حسنا محمدزاده برگزیده بخش شعر نو نوزدهمین جشنواره شعر فجر و برنده جایزه کتاب سال ۱۴۰۳ درباره دلایل افول شعر امروز ایران در دهه اخیر و همچنین وضعیت جشنواره های ادبی

**محمد بهبودی نیا**
calture@khorasannews.com

برخی از منتقدان معتقدند که شعر امروز و جشنواره‌های ادبی در کشور در دهه اخیر دچار افول شده و از عمق و اصالت خود فاصله گرفته‌اند. همچنین، جشنواره‌های ادبی به دلیل مشکلات داوری و رابطه‌بازی، نتوانسته‌اند به‌طور کامل به ارتقای سطح شعر و ادبیات کمک کنند. برای رسیدن به پاسخ این ادعا، به سراغ دکتر حسنا محمدزاده، یکی از برگزیدگان بخش شعر نو در نوزدهمین دوره جشنواره شعر فجر و دانش آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی رفتیم. او اهل کاشان است. از سال ۱۳۷۶ وارد فضای حرفه ای شعر شده و از اوایل دهه ۸۰، شعر را به‌صورت جدی دنبال می‌کند. اولین کتابش در سال ۱۳۸۹ منتشر شد. مجموعه‌های «هنوز قلب قلم درد می‌کند... برگرد!»، «عشق‌های بی‌حواس»، «یک مشت آسمان»، «خورشیدهای توأمان»، «جوهر جان» و «زیر هر واژه آتش فشان است» نیز از این شاعر به چاپ رسیده است. «زن آتش» در سال ۱۴۰۲، آخرین اثر منتشرشده او تا امروز به شمار می آید که این اثر، در یک هفته گذشته برگزیده چهل و دومین جشنواره کتاب سال و نوزدهمین جشنواره شعر فجر شده است. او همچنین تاکنون موفق به کسب جوایزی از جمله کتاب فصل، کتاب قلم زرین، نامزد جایزه کتاب سال پروین اعتصامی، جایزه کتاب انقلاب و برنده جایزه فجر شده است. در ادامه گفت و گوی خراسان با این شاعر و منتقد ادبی را می خوانید.

**لطفا مختصری درباره جشنواره فجر امسال توضیح دهید**

جشنواره شعر فجر فعلا بزرگ ترین رویداد ادبی کشور است. سال گذشته داوری بخش پژوهش «درباره شعر» جشنواره فجر را به عهده داشتم و با سختی‌های برگزاری این قبیل جشنواره‌ها از نزدیک آشنایی دارم. وقتی از دور به یک موضوع نگاه می کنیم، بر این باوریم که سراسر عیب و کوتاهی است اما وقتی از نزدیک در جریان کار قرار بگیریم، متوجه می شویم که زحمت های فراوانی کشیده می‌شود که ممکن است دیده نشوند. برخی ممکن است ایراد بگیرند که جشنواره شعر فجر آثار برخی ناشران را نادیده می گیرد و این مسئله داوری ها را با اشکالات فراوانی روبه‌رو می کند؛ اما آن‌طور که بنده سال گذشته از نزدیک شاهد بودم، چنین فضایی وجود ندارد، یعنی هیچ کس ابتدا نگاه به نام ناشر نمی کند و بعد به متن کتاب، با این حال خیلی طبیعی است که نتیجه داوری‌ها به مذاق برخی خوش نیاید.

اگر بخواهم نقدی بر جشنواره شعر فجر این دوره داشته باشم، باید بگویم اختتامیه این جشنواره می‌توانست با شکل و شمایل وزین‌تری، مثلاً در حدو اندازه جشنواره فیلم فجر برگزار شود و لازم بود مسئولان برای باشکوه‌تر شدن این جشنواره تمهیدات بیشتری بیندیشند.

**وضعیت شعر امروز چگونه ارزیابی می‌شود؟**

متاسفانه وضعیت شعر امروز چندان خوب نیست به طوری که می‌توان گفت از نیمه دهه ۸۰ به بعد اتفاق مهم و قابل توجهی در شعر رخ نداده است. ما نتوانسته‌ایم برگ تازه و زرینی به ادبیات اضافه کنیم. شاید برای این کاستی ریشه‌های مختلفی وجود داشته باشد که می‌توان ساعت‌ها درباره آن گفت‌وگو کرد. یکی از مهم‌ترین معضلات، پررنگ شدن فضای مجازی در زندگی مردم است. افرادی که تازه وارد فضای ادبیات می‌شوند، صفحات مجازی را به‌عنوان منبع مطالعاتی خود قرار می‌دهند و با شعرهایی روبه‌رو می‌شوند که به اصطلاح لایک‌خور بالایی دارند. آن شعرها به عنوان معیار در نظر گرفته می‌شوند و شاعر را به‌سمت مسیری اشتباه می‌برند. در عصر حاضر شعرهای ضعیف و متوسط از شاعران درجه دو و سه الگوی کار بسیاری از جوانان شده است.

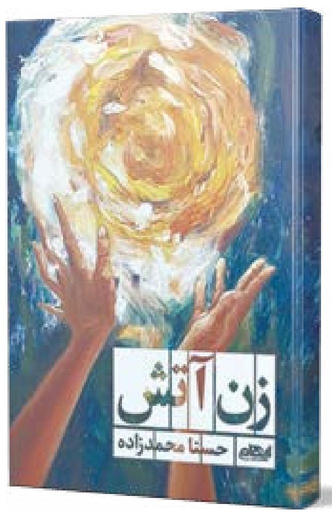

«زن آتش» اثر برگزیده کتاب سال و جشنواره فجر از دکتر حسنا محمدزاده

*

> **محمدزاده: متاسفانه وضعیت شعر امروز چندان خوب نیست به طوری که می‌توان گفت از نیمه دهه ۸۰ به بعد اتفاق مهم و قابل توجهی در شعر رخ نداده است. ما نتوانسته‌ایم برگ تازه و زرینی به ادبیات اضافه کنیم**

این در حالی است که در گذشته، شاعر برای دیده شدن باید در کلاس‌های مختلف شرکت می کرد و بعد از سال ها خاک خوردن در محافل ادبی و درس پس دادن در محضر بزرگان، تازه به مرحله چاپ کتاب می رسید. اما امروز می بینیم افرادی که هنوز الفبای شعر را بلد نیستند، کتاب چاپ می کنند، به محافل مختلف دعوت می شوند، عکسشان روی پوسترهای مختلف می خورد و در فضای مجازی تریبون‌های متعددی دارند، در نتیجه لازم نمی بینند برای عالی سرودن عرق بریزند. معضل دیگر، کتاب‌های متوسط و ضعیفی است که بنا به دلایل مختلف، فروش بالایی دارند. شرکت در جشنواره‌های مختلف و روآوردن به چارچوب‌های معنایی از پیش تعیین شده، موضوعی نوشتن و فراموش کردن جوشش‌های درونی، از دیگر آسیب‌هاست.

**شعر امروز تا چه حد در بیان یا شکل‌دهی به تحولات فرهنگی و اجتماعی تاثیرگذار است؟**

فردی که اثری را می نویسد، اول باید به تمام جوانب شعر تسلط داشته باشد تا بتواند اثری را به زیباترین شکل ممکن خلق کند. ایجاد لایه‌های تصویری عمیق، داشتن تخیل قوی، اندیشه‌ورزی و... نقش بسزایی در این زمینه دارد. وقتی تسلط شاعر به این موارد در حد قابل قبولی باشد، می تواند در جریان‌های فرهنگی و اجتماعی هم تاثیر گذار باشد. امروز شعرهای انتقادی، اجتماعی و سیاسی زیادی سروده می‌شود اما بیشتر این آثار در محدوده نظم قرار می گیرد و شعار محورند، بنابراین، می‌توان گفت در شعر روزگار ما، اگرچه شعرهایی به قصد بیان موضوعات اجتماعی و فرهنگی سروده می‌شود، اما قدرت ماندگاری و جریان‌سازی را ندارد.

در گذشته قله‌های ادبیات ما با کمک ادبیات و قدرت شاعرانگی بسیاری از مسائل اجتماعی و حتی سیاسی را به بهترین شکل به شعر کشیده‌اند، مثلا اخوان شاعر شاهکارهایی است که در حوزه سمبلیسم اجتماعی تعریف می‌شوند. در دهه ۴۰، این گونه آثار کم نیست، کسانی مثل سهراب و فروغ، به‌خصوص فروغ در حوزه اجتماع توانسته‌اند این تاثیر گذاری و بازنمایی را داشته باشند. شعر فروغ ابتدا دارای ویژگی های شاعرانه است و در ادامه به بیان مفاهیم و دردهای اجتماعی می‌پردازد.

**با توجه به فعالیت شما در دو بخش نو و کلاسیک چالش امروز شعر را در چه می‌بینید؟**

یکی از مسائلی که به ضعف شعر امروز دامن زده، گسترش تمایل شاعران به شعر سپید است. افرادی که تازه وارد این فضا می شوند با این باور اشتباه که شعر سپید همان نوشته‌های معمولی با چاشنی احساس است که سطرهای آن خرد شده است، شروع به سرودن می کنند. در صورتی که حتی یک شاعر سپیدسرا باید ابتدا به موسیقی و تمهیدات تصویری تسلط پیدا کند و سپس بنویسد. کسانی که آشنایی با پیشینه ادبیات ندارند به خودشان اجازه نوشتن می دهند و هر متنی را به عنوان شعر منتشر می کنند. نوشتن بدون چارچوب و ورود بدون آگاهی به دنیای شعر، همگی باعث ایجاد شرایط فعلی شعر ما شده است.

---

# کنار جاده گلی بی نام

### نگاهی به کتاب «استخوان‌های گرسنه» اثر صابر سعدی پور

**حیدر کاسبی**– شعرهایی هستند که با این که کوتاه‌اند اما بعد از تمام شدن هم انگار در ذهن مخاطب و شاعر ادامه دارند.

این گونه شعرها انگار قبل و بعدی دارند که شاعر بنا به مصلحت آن‌ها را نمی گوید.

در شعری به کوتاهی همین شعرها انگار که شاعر علاوه بر این که به یکباره مخاطبش را وارد یک سناریو می کند، در پایان هم خیلی از چیزها را نمی گوید و به عهده او می گذارد و اجازه می دهد تکه‌های پازل شعرش را با هم کامل کنند. این که چه اتفاقی افتاده که دست‌های راوی در شعر بسته است بماند و این که از کجا می آیند و به کجا می‌روند هم بماند، شاعر تنها به فکر برجسته کردن یک تصویر روشن در فضایی سیاه است و آن تصویر چیزی نیست جز شمایل نورانی ماه که حتی از پشت چشم‌بند هم دیده می‌شود.

در شعری از همین مجموعه می‌خوانیم:

«خاکستر ریخته / وافور / مرگ پیرمرد / بی حالی مرغ عشق ها»

این جا هم راوی از وسط شروع می کند.

این که بشود در یک شعر کوتاه یک خرده روایت را پیش روی مخاطب گذاشت و قبل و بعدش را در بستری از تعلیق رها کرد به جذابیت‌های یک شعر کمک می کند و آن را در هاله‌ای از مه و ابهام فرو می‌برد که دلپذیر می نماید.

درست مثل این شعر:

«نامه عاشقانه قدیمی / در جیب پدربزرگ / به کسی چیزی نمی گویم»

در شعر کوتاه دیگری می خوانیم:

«غاز وحشی رام در بشقاب مسافران»

شعر کوتاه می‌خواهد لحظه‌ای را فربه کند و از میان همه لحظات در بیست و چهار ساعت تنها و تنها چند ثانیه از آن را برجسته می کند.

در یک چنین فضایی شاعر باید علاوه بر خلاقیت از شهود بالایی هم برخوردار باشد تا لحظه‌ای ناب را از قاب دوربین شعرش ثبت کند:

«به عادت / دنبال گل سرش / پس از شیمی درمانی»

شاعری که از میان این همه کلمه تنها چند واژه را برمی گزیند و باوسواس آن‌ها را کنار هم می‌چیند برای کلمه‌ها حرمت قائل است و نمی‌خواهد ساحت آن‌ها را از زیر سوال ببرد:

«زورش نمی‌رسد / درخت را از سایه‌اش جدا کند»

او همه توانش را به کار می گیرد تا هر کلمه درست سر جای خودش بیاید و از هر گونه حشو و اضافه‌ای پرهیز می کند:

«ملاقاتی / سوسکی کنج سلول انفرادی / یک روز بیشتر تاب می‌آورم»

یکی از مهم‌ترین ویژگی های شعر امروز ایجاز است و شاید بشود گفت برای ارتباط با مخاطب نه چندان پرحوصله امروز یکی از هوشمندانه‌ترین راه‌ها همین ایجاز باشد.

مخصوصا در جهان امروز که دویدن برای ابتدایی ترین امور همه‌وقت و زمان انسان را گرفته و دیگر فرصتی برای شعر باقی نمی گذارد. چگونه است که از میان آن همه دفتر شعری که شاملو نوشته این یکی بیش از همه در خاطره‌ها مانده است؟

«سلاخی زار می گریست / دل به قناری کوچکی باخته بود.»

آیا موجز بودن یک اثر یکی از رمزهای ماندگاری اش نمی تواند باشد؟

**فربه کردن لحظه در شعر کوتاه**

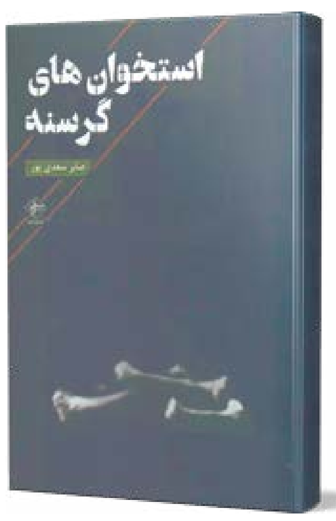

بعضی چیزها آن قدر وضوح دارند و آن قدر روشن اند که دیده نمی‌شوند و این شاعر است که آن‌ها را برجسته می کند.

این را حمیدرضا شکارسری در مقدمه کتاب «استخوان‌های گرسنه» می‌گوید، او می گوید شعر کوتاه رازناک است و این رازها در هر جایی که بخواهیم هست، کافی است اهل جست‌وجو و کلمه باشیم. بعضی چیزها از فرط وضوح دیده نمی‌شوند و بعد که شاعر آن‌ها را نوشت مخاطب از خودش می‌پرسد که این صحنه‌ها کاملاً حاضر و آماده‌اند پس من چرا نمی دیدمشان؟

«استخوان‌های گرسنه» پنجمین کتاب صابر سعدی پور است که امسال توسط انتشارات «فصل پنجم» منتشر شده است.

برگ سبز موتورسیکلت هندا۱۲۵ به شماره انتظامی ۴۲۳۶۶-۷۷۱ به شماره موتور ۰۸۰۰۱۰۸۵۴۰ و شماره تنه NEG۰۰۰۱۲۵۸۸۴۰۳۳۵۹ بنام مهدی صحرایی مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد

سند کمپانی و برگ سبز پراید مدل ۸۷ به ش پلاک ایران ۷۴-۷۴۹ ب ۷۱ به ش شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۱۹۶۳۶ به ش موتور ۲۳۴۰۳۷۹ بنام معصومه هروی موسوی مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز و سند کمپانی وانت سایپا مدل ۱۴۰۲ پلاک به ش پلاک ایران ۳۲-۹۴۵ص ۲۵ موتور M۱۳/۶۶۴۱۳۱۱ و ش شاسی NAS۴۵۱۱۰۰PE۹۵۸۵۵۲ بنام عاطفه سلجوقی به کد ملی ۰۷۴۹۹۰۶۶۵۰ مفقود واز درجه اعتبار ساقط است

سند کمپانی پژو پارس TU5 مدل ۹۴ به ش پلاک ایران ۲۸-۲۵۷ن۴۴ به ش موتور 139B0083503 به ش شاسی NAAN11FC5FK831366 بنام علی ورمزیار مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز و سند مالکیت و کارت موتور سوپر لنتان مدل ۱۳۹۰ و ش پلاک ۷۶۵ - ۲۹۴۹۴ و ش موتور KMNHCG15۶YM۰۱۸۷۶۸۵ و ش تنه N۲N***۱۵۰۸۹۰۱۱۶۴۰ بنام اسماعیل دلیری به ش ملی ۵۶۲۹۹۸۲۳۶۵ مفقود و اعتبار ندارد.

برگ سبز وبرگ کمپانی ساینامدل۱۳۹۸سفید به شماره انتظامی۷۴ایران۳۸۶هـ۴۹ به شماره موتور M۱۵/۸۷۵۲۲۴۳ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰K۵۸۲۰۳۴۳ بنام مهدی بلالیان نقندرمفقود وفاقد اعتبار می باشد

برگه سبز و کارت پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۲ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۴۲ایران ۵۳۶و۹۳ به شماره موتور ۱۷۲۳۰۱۵۴۴۵۰ به شماره شاسی NAAR۰۳HFFPD۸۱۱۷۵۵ به نام الهام رضا زاده مفقود و فاقد اعتبار است

برگ سبز وسند کمپانی موتورسیکلت پالس۲۰۰مدل۸۸ به ش انتظامی ۷۶۴-۳۳۲۴۸ به ش موتور JCGBRE۳۲۷۸۵۸ و ش تنه NE۰۰۰۰۲۰۰X۸۷۱۱۰۳۰ بنام حسن میرزائی محمدآباد مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد

برگ‌سبز سواری پژو مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ایران ۹۹-۳۴۱م ۴۳ به شماره شاسی NAAN۰۱CE۹FH۲۷۸۳۳۶ به شماره موتور ۱۲۴K۰۷۷۸۲۱۱ بنام احمد رضا شهنواز به کد ملی ۰۹۱۹۵۹۹۳۴۶ مفقود واز درجه اعتبار ساقط است

برگ سبز خودرو سواری پراید جی تی ایکس ای رنگ نوک مدادی متالیک مدل ۱۳۸۷ شماره موتور ۲۵۶۰۶۵۵ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۸۳۳۶۳۳ شماره پلاک ۳۸۹ن۸۳ ایران-۱۲ به نام مرتضی نجفی اصل مفقود گردیده و اعتبار ندارد ۰۹۴۲۷۴۹۴۶۴

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو پراید سی دی ۵ هاچ بک مدل ۱۳۷۶ ش انتظامی ایران ۱۲-۱۷۴ط ۱۳ ش شاسی S۱۴۴۲۲۷۵۱۲۹۶۰۵ ش موتور ۰۰۰۲۱۳۴۲ بنام سیدغلامرضا طالبی مقدم مفقود شده و فاقد اعتبار است

تمام مدارک خودرو پراید صبا سفید مدل ۱۳۸۴ پلاک ایران ۱۲-۶۱۷ج۶۴ به شماره موتور ۴۵۲۹۷۶ و شاسی ۱۸PC۸۴۱۱۵۱W بنام زینب ایزد پناه کاظمی به کد ملی ۰۹۳۲۳۱۸۳۹۸ مفقود واز درجه اعتبار ساقط است

گواهی حصر وراثت– آقای محمد رباط جزی بشناسنامه شماره ۰۷۹۱۳۷۵۴۱۲ باستناد شهادتنامه و گواهی فوت و رونوشت شناسنامه ورثه، درخواستی بشماره ۰۳۰۰۶۲۰ تقدیم این شعبه نموده چنین اشعار داشته است که شادروان زهرا معتمدیان بشناسنامه شماره ۰۷۹۱۳۷۹۳۱۰ در تاریخ پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۳ در گذشته و ورثه وی در هنگام درگذشت عبارتند از: ۱- محمد رباط جزی فرزند شفیع اله شماره شناسنامه ۰۷۹۱۳۷۵۴۱۲ نسبت با متوفی: زوج ۲- طیبه رباط جزی فرزند رجب شماره شناسنامه ۰۷۹۴۱۱۰۲۶۶ نسبت با متوفی: مادر ۳- علی اکبر معتمدیان فرزند حسن شماره شناسنامه ۰۷۹۴۱۰۴۳۸۱ نسبت با متوفی: پدر ۴- مهیار رباط جزی فرزند محمد شماره شناسنامه: ۰۹۵۰۲۴۹۱۷۳ نسبت با متوفی: فرزند ۵- میلاد رباط جزی فرزند محمد شماره شناسنامه ۰۹۲۴۶۶۹۰۸۱ نسبت با متوفی: فرزند پس از تشریفات قانونی و انتشار یک نوبت آگهی در روزنامه و عدم وصول هرگونه لایحه یا اعتراض یا ارائه وصیت نامه سری یا رسمی حسب گواهی متصدی مربوطه و در وقت فوق العاده شعبه ۶۵ دادگاه صلح مشهد بتصدی امضاء کنندگان زیر تشکیل و پس ملاحظه پرونده کار گواهی مینماید که ورثه در گذشته منحصر به اشخاص یاد شده در بالا بوده و وارث دیگری ندارد و دارائی آن روانشاد پس از پرداخت و انجام حقوق و دیونیکه بر ترکه تعلق میگیرد به صورت زیر تقسیم میگردد. ۱- محمد رباط جزی (زوج) ۱/۴ (یک چهارم) از کل ماترک ۲-طیبه رباط جزی (مادر) ۱/۶ (یک ششم) از کل ماترک علی اکبر معتمدیان پدر ۱/۶ (یک ششم) از کل ماترک ۴ - الباقی ماترک متوفی بالسویه بین فرزندان ذکور قابل تقسیم می شود. اعتبار قانونی این گواهینامه از حیث مبلغ نامحدود است
جعفری– دادرس شعبه ۶۵ دادگاه صلح مشهد
۱۱۳۶۷۸